



سنگ امپریالیزم اشغالگر در ترازوی اسلامی دولت دست نشانده کرزی

کبیر توخی

۲ نومبر ۲۰۰۸

از سالها بدینسو مردمی در آتش و خون فرو برده شده‌ی ما به آرزوی محکمه و مجازات مسببین و عاملین کشتارهای جمعی و فردی در کشور شان، از جانب نهاد های با صلاحیت جهانی، دل خوش داشته اند. این خواست برحق مردم داغدیده را نشرات افغانی؛ همچنان شماری از رسانه های خارجی، بارها منتشر نموده، به کنگاش گرفته اند.

محکمه اعضای رهبری "حزب دموکراتیک خلق" (برادران تنی توده ای های ایران) مثل سروری؛ گلاب زوی و طنجار، کشتمند، پنجشیری، علومی، فهیم و دیگران؛ همچنان سر باند های رهزن، جاهل، آدمکش و ضد فرهنگ و تمدن؛ یعنی ملا ربانی، ملا مجددی، گلبدین، سیاف، مزاری و مسعود (هر دو کشته شده)، محقق، خلیلی، سید حسین انوری، قانونی، دوستم، ملامحمد عمر و سایر همگان وطن فروش شان، که در واقع امر شرایط تجاوز شوری به کشور، هکذا زمینه را برای تجاوز و اشغال افغانستان توسط امپریالیزم امریکا مساعد ساختند. و در نقش وکلای انتخابی مردم در "لویه جرگه" نام نهاد، قانون اساسی ضد ملی، ضد زن و ضد دموکراتیک و استعماری را تائید و تصویب نمودند؛ خواست برحق مردم داغدید و شکنجه شده و اسارت کشیده ما می باشد.

شمار حوادث خونین و فاجعه های انسانی و رخداد های مرگ آور که از زمان اشغال کشور توسط امپریالیزم امریکا و شرکا در افغانستان اتفاق افتاده؛ اندک نیست. از آن زمره، دو رخداد بسیار بسیار مهم و ماندگار آن در خور درنگ و یاد آوریست: کهنه اندیشان و خرافه پرستان پوسیده پیکر و اجیران بی مقدار و وطن فروش محکمه اسلامی برای **کامبخش ۲۰** سال حبس و برای **اسدالله سروری ۱۹** سال حبس را - بر مبنای قوانین اسلامی - نافذ خواندند [تا این قید موجب زجر و شکنجه جسمی و روانی آنان و عبرت دیگران گردد] جمله ای که در سالهای ۵۹ و ۱۳۶۰ محکمه اختصاصی انقلابی بر ریاست شادان وطن فروش در پارچه ابلاغ زندانیان می نوشتند و اگر این قضات وجدان فروخته و در خدمت سیا قرار گرفته چنین جمله ایرا در پارچه ابلاغ این دو ننوشت باشند، فرقی نمی کند، ماهیتا مدت قید در زندان های افغانستان زیر نظارت امریکا همین مفهوم را تداعی می کند [مزدوران قلم بدست امپریالیزم امریکا و رسانه های وابسته

به آن نقطه عطف تاریخی را به مثابه واقعه معمولی انعکاس داده اند ؛ اما این دو رخداد از لحاظ ماهیت حقوقی و سیاسی و همچنین تاریخی ، در خور توجه مردم ی مظلوم بیچاره و اسیر شده ی افغانستان و حلقهات روشن نظر سیاسی جهان بوده ؛ از اهمیت خاصی برخوردار است .

بلی ! در همین سال جاری از میان بسا محاکمات (دادگاه ها) ، دو محکمه یکی بعد دیگر ، بوقوع پیوست . محکمه یک جاسوس و قاتل ده ها هزارتن زندانی و غیر زندانی به اسم اسد الله سروری که عمر مزلتبارش به ۶۸ سال رسیده و محکمه جوان برمندی که می شود گفت عمرش از ۲۵ سال بیشتر نمی باشد . اولی با سابقه عضویت در " حزب دموکراتیک خلق " و یکتن از عناصر بسیار مهم اطلاعات وزارت دفاع شوروی (GRU) و رئیس استخبارات دولت وابسته آنکشور در افغانستان (اکسا) . دومی که شاید در عمر پر بارش بینی کسی را خون نکرده باشد ، محصل یا دانشجوی ژورنالیزم و لایت بلخ و همکار روشنگر نشریه " جهان نو " . (من حتا این نشریه را برای یکبار هم ندیده ام ؛ و از دید سیاسی و خط حرکی کامبخش نیز - که خودش را مسلمان خوانده - کدام اطلاعی ندارم) .

حال با نگاهی گذرا به چند نقطه عطف در زندگی سخت ننگین جاسوس افغان تبار شوروی در افغانستان که بخاطر بقای " انقلاب برگشت ناپذیر ثور " در پیگرد های هراس بر انگیز ، گرفتاری های هولناک و استنطاق و شکنجه های وحشیانه و حیرت بر انگیز و قتل ها و اعدام های دسته جمعی ده ها هزار هم وطن بی گناه ما مستقیماً دست داشت ؛ در زیر توجه کنیم :

از یک دوستی که در گذشته ها در همسایگی سروری (در کارته پروانه) قرار داشت ، شنیدیم که این عضو فعال " حزب دموکراتیک خلق " که ننگ پشتون های ولایت غزنی بوده ، در بخش جنوبی کارته پروان ؛ یعنی در دامنه کوه آسه مایی ؛ مثل حسن شرق و داکتر نجیب و کمک و لایق (این اجنتان روسی) اقامت داشت . در آن سالها این قاتل حرفه ای با لایق و نجیب و حسن شرق مخصوصاً با کمک نزدیکی زیاد داشت . بعد از انشعاب در سمت تره کی خودش را قایم کرد .

سروری در سال ۱۹۴۱ در ولایت غزنی تولد شده بعد ها تحصیل در رشته پیلوتی را در شوروی تمام کرد. در کودتای ننگین ۷ ثور ۱۳۵۷ نقش بسیار فعال داشت بعد از کودتای تا عقب ۱۳۵۸ وی را در کرسی یک پست نهایت مهم ؛ اما متعفن و خون آلود ریاست اکسا وابسته به KGB ، با صلاحیت و اختیار عام و تام نشانند. این امر که وی بعد از کودتای امین با شماری از پرچمی ها مخفیانه به شوروی رفته ، در وهله اول تجاوز ارتش سوسیال امپریالیزم شوروی همراه با ارتش آن کشور وارد افغانستان شد و باز هم از جانب روسها یکر است بسمت معاون صدر اعظم و عضو برجسته " شورای انقلابی " در دولت دست نشانده بریاست کارمل توظیف گردید ؛ می رساند که وی بایست عضو GRU وزارت دفاع شوروی و یا عضو سازمان امنیت آنکشور (KGB) بوده باشد . سروری که در پست های معاون صدراعظم و عضومقتدر " شورای انقلابی " در دولت پوشالی کارمل ، کاری و باری داشت ، بعد از مدتی (در ۹ اسد ۱۳۵۹ / ۲۱ جولای ۱۹۸۰) بسمت سفیر در کشور مغلستان فرستاده شد . آمدنش به هند را اینطور توجیه می نمایند که بخاطر طرح کودتای تنی علیه نجیب رهسپار هند گردید . بعداً در هند زندانی شد . معلوم نیست در هند تا چه مدتی در توقیف ماند . گفته شده که وی در هنگامی که جهادی ها کابل را تصرف کردند برای فروش اموال غیر منقولش به کابل رفت . در کابل تا مدتی لادرک بود . بعداً شایع شد که از جانب باند مسعود دستگیر و زندانی گردیده . وی بعد از مدت حبس ، زمانیکه زندان توسط باند های اسلامی رقیب بمباران می شد ، مسعود وی را با تعدادی ۶۵۰ زندانی دیگر به منطقه پنجشیر انتقال داد. بعد از اشغال کشور توسط امپریالیزم

امریکا باند مسعود این جاسوس و قاتل ده ها هزار هموطن ما را دوباره بکابل آورده ، بعداً باند شورای نظار وابسته به روسیه این جاسوس رسوا و قاتل مفتضح را تحفه گویا به دست نشانده امپریالیزم امریکا کرزی در واقع امر به سازمان CIA پیشکش کرد .

یک جاسوس حرفه ای که تا سطح ریاست یک دستگاه پر قدرت اطلاعاتی که در پیوند مستقیم با سازمان امنیت شوروی قرار داشت ، ارتقای مقام یافت ، اینقدر ساده اندیش نبوده که بخاطر فروش جایدادش درحیطه قدرت اخوانی های خون آشام ؛ مثل خودش برود . در حالیکه قبلاً هم اطلاع داشت که به تاریخ ۱۶ اسد ۱۳۶۹ / ۲۶ جولای ۱۹۹۰ داره های اخوانی (جمعیت اسلامی و اتحاد اسلامی) از حکومت هند خواستار شده بودند تا وی را به مجاهدین تسلیم دهد . این قاتل حرفه ای بنا به دستور مرکز در شوروی در کودتای تئی اشتراک داشت و همینطور زیر پوشش فروش جای و جایداد خودش (در ماه ثور سال ۱۳۷۱ / جون ۱۹۹۲) وارد کابل شد تا در نقش زندانی جمعیت اسلامی در پهلوی " قهرمان مسعود " که چون خودش افتخار عضویت در استخبارات وزارت دفاع شوروی (GRU) را داشت ، منحیث مشاور سیاسی - استخباراتی بخش پشتون های اکسا انجام وظیفه نماید [زیرا که بخشهای غیر از پشتونهای خاد - خادی که شکل تکاملی " مصونیت ملی " سردار داوود " اکسای تره کی " و " کام امین " بود - قبلاً به باند شورای نظار انتقال داده شده بود] زمانی که باند شورای نظار در خدمت ماشین تجاوزی امپریالیزم امریکا در آمد معلوم نشد چرا سروری توسط این باند (همانند یعقوبی وزیر خدمات اطلاعات دولتی یعنی " واد = خاد) به قتل نرسید که به حیث تحفه به سازمان سیا که حاکم مطلق بر مجموع زندانها در افغانستان است ؛ سپرده شد .

سازمان سیا بدرستی می داند که هر عضو تشکیلات مخوف اکسا ، کام و خاد وابسته به دشمن پیشین اش آگاهی - کم و یا بیش - از تشکیلاتی که بدان منصوب است ، میداشته باشد . از همین دید با شگرد های مختلف به در آوردن معلومات از مغز اجنت به چنگ آمده ، مبادرت می ورزد . آنگاه وی را به جاسوس بی مقدار و بی مرتبه خود مبدل می سازد .

زمانی که CIA شخصیت برجسته اطلاعاتی دشمن پیشینه اش را به چنگ آورده و در زندان صدارت زیر نظارت خاد خودش بریاست صالح رئیس امنیت ملی افغانستان (" راما ") قرار داده بود . کس چه میداند که سروری چه مطالب ، کدام اسرار شبکه های اکسا در پاکستان و ... ؛ چه چیز ها در رابطه با در آمیزی شبکه های اطلاعاتی دولت های سابقه اروپای شرقی با اکسا ؛ کدام نوع فعالیت های سیاسی - استخباراتی این شبکه ها در اروپای غربی و ده ها مسایل مهم سیاسی نظامی و اطلاعاتی دیگر را با سیا در میان گذاشته است که در این چند سال اشغال کشور توسط امپریالیزم جنایتکار امریکا خاری هم در پایش نخلیده است . نا گفته پیداست ، ۱۹ ، سال قید در پی خود بهانه های گونه گون مثل روز تأسیس جمهوری اسلامی افغانستان ، عید قربان و رمضان و ... برای خلاصی وی از زندان دارد . شاید هم وی را در این مدت (از زمان اشغال افغانستان تا هم اکنون) به خاطری در اسارت نگهداشته اند که پنهان کرده ها و ناگفته هایش را در زندان بر ملا سازد . از آنجایی که پهلوان چالهایی را برای خود هم نگهمیدارد (یعنی برای مرکز در روسیه) مبادا این جاسوس و قاتل حرفه ای شبکه های اکسا در داخل پاکستان که بعدها در میان طالبان رخنه کردند را تا کنون اقیاء نکرده و تا بحال به سازمان امنیت

روسیه (F S B) (سابق) و فادار مانده باشد (۱)

چرا محکمه امنیت ملی (خاد ساخته شده توسط سیا) به تاریخ ۲۵ فبروری ۲۰۰۶ حکم اعدام سروری را صادر نمود ؟ چه چیز سبب شد که این حکم اجرا نشود ؟ و شاید هم به خاطر زد و بند ها و جور آمد های منافع ، میان دو امپریالیزم جنایتکار امریکا و روسیه وی را حلق

آویز نکردند . در هر صورت زنده ماندن این جاسوس پلید و قاتل ده ها هزار انسان بی گناه و مظلوم کشور هر علت و موجه ای که داشته باشد در واقع امر رازی سنگ امپریالیزم ؛ یعنی امری داده شده ی سازمان CIA به قضات شرف باخته ی اسلامی را به روشنی تمام بر ملا ساخته و بار دیگر دیر باوران و سیاست گریزان بهانه جو و تسلیم طلبان حرفه ای را در معرض قضاوت بی رحمانه تاریخ خونبار کشور قرار داده است .

جنایت کاران اخوانی (از سیاف و ربانی و شورای نظاری گرفته تا کلبدین و محقق و خلیلی حزب وحدت و... و...) تماماً با لیسیدن خون مردم از پره و حلقه و پرزه و عراده و ... ماشین جنگی امپریالیزم جنایت کار امریکا به خود می بالند و در ارگانهای دولت دست نشانده ی آن به " کار " استحکام پایه های مادی - فنی این ماشین و اقامت دایمی و قایمی آن در کشور پدری شان مشغولند . در واقع این بهترین لطف و مرحمت " پروردگار " و دین " اسلام عزیز " است که علمبرداران ذلیل ، حقیر ، جنایت پیشه ، مخرب ، ضد زن و ضد فرهنگ و تمدن اش در حق اشغالگر " کافر " می نمایند و بر جنایت دهشناک و وحشیانه این قدرت جهنمی در کشور پدری شان خاک اسلامی می پاشند و با اینوسیله آنرا تطهیر می نمایند . همینطور خلقی ها و پرچمی ها و خادی های وطن فروش و آدم کش مثل سروری - این قاتل ده ها هزار هموطن ما - که تصمیم قاطع برای الحاق سرزمین پدری شان به اتحاد شوروی سابق داشتند (و بیشترین آنان هم اکنون در راستای تحقق پلان ها نظامی و اقتصادی و... روسیه در افغانستان چون سک های تربیه شده تلاش می ورزند) نیز با لیسیدن موزه های سربازان امریکایی و شرکایش در کشور پدری شان مباحثات می نمایند و در این مسابقه خون و خیانت با برادران تنی شان (اخوان) هم چشمی و رقابت می کنند . اینهم عالی ترین محبتی است که دشمن قدیمی و متحد امروزی اش در افغانستان در حق امریکا می نماید ، از همین سبب است که **ترازوی زنگار گرفته اسلام عزیز با سر فرود آوردن در برابر سنگ داده شده ی سیا آن را در یک پله اش قرار داده و توسط آن گناه " کوچک " سروری و " خطای بس بزرگ و تکان دهنده " ی کامبخش را می سنجد** .

اسد الله سروری ، اسد الله امین ، داکتر نجیب ، دوستم ، مسعود ، فهیم ، گلاب زوی ، کشتمند ، پنجشیری و امثال شان کدام کنایه مرتکب نشده اند . اینها فقط دشمنان وابستگی افغانستان به امپریالیزم روسیه را از میان برداشته اند (کاری را امریکایی از دهه ها پیش (و تا هم اکنون) در سایر کشور مثل ویتنام و عراق و افغانستان انجام داده و در آینده نیز انجام خواهند داد . گناه اصلی و غیر قابل اغماض و پرده پوشی را کامبخش " ملحد و بیدین " مرتکب شده است او آیه های قران و ترجمه آن را در مورد زن از کدام سائیتی گرفته و به چاپ رسانده و در اختیار هم صنفی هایش قرار داده ، خواسته اسرار کلام خدا را فاش سازد . هر گاه وی و امثالش در این راه بدون مانعه ای گام برداشته این " راز مگو " را در میان مردم بر ملا بسازند دیگر کسی حاضر نخواهد شد این " تریاک " را که به آن از قرن ها عادت کرده اند ، استعمال نماید . نتیجه آن خواهد شد که ب فکر و ذکر وضع دنیوی و تغییر شرایط شدیداً ضد انسانی و بهبود وضع اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و... خود شده بر ضد امپریالیزم غارتگر و نوکران گوش بفرمانش خواهند رزمید . که این دیگر برای امپریالیزم و دین " اسلام عزیز " بطور قطع قابل تحمل نبوده تشویق کنندگان ترک " تریاک " را به اشد مجازات محکوم می کنند تا این مجازات موجب عبرت دیگران گردد و کاخ ستم استعمار و استثمار و ارتجاع به لرزه در نیاید .

* - الرَّجَالُ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْتُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا .

مردان، از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است. و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند، بر زنان تسلط دارند. پس زنان شایسته، فرمانبردارند و در غیبت شوی عقیقت و فرمان خدای را نگاه میدارند. و آن زنان را که از نافرمانیشان بیم دارید، اندرز دهید و از خوابگاهشان دوری کنید و بزیندیشان. اگر فرمانبرداری کردند، از آن پس دیگر راه بیداد پیش مگیرید. و خدا بلند پایه و بزرگ است .

* - وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ .

و کسانی که زنان خود را به زنا متهم میکنند، گر نتوانند 4 شاهد پیدا کنند میتوانند خود چهار بار شهادت بدهند در راه خدا که او از راستگویان است (این عمل را لعان گویند)

کامبخش مطالبی از همین قبیل را از سایت های مورد نظرش گرفته آنرا بدست چاپ سپرده ، می خواست این احکام ضد زن را در میان محصلین و دانشجویان برده ، پیرامون آن گفتگو و جر و بحث هایی را داغ نماید . با تاسف که این جوان از مبارزه با پولیس سیاسی و خبر کش های دور و برش چیزی نمی دانست ؛ همچنان از تحرک و فعالیت **خاد** نجیب که تا هم اکنون زیر فرمان فهیم و شورای نظار به کار و بار سیاسی استخباراتی و تخریباتی مشغول اند چیزی نمی فهمید ؛ هکذا اطلاع نداشت که اعضای **واواک ایران** و اعضای تشکیلات " **راما** " پی (خاد امریکائی زیر فرمان آقای صالح) چسان در هر کنج و کنار و گوشه و بیشه کمین کرده ، و در صدد بلعیدن روشنفکرانی مثل وی می باشند .

کاش مجال باز کردن این بحث را در اینجا می‌داشتیم که چسان دولت های ارتجاعی و تئوکرات ، مثل رژیم جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیزم ، دولت های وابسته جهادی و طالبی در افغانستان و همتا های دیگرشان در منطقه ، با اتباع یکتا پرست شان رفتار کردند. چگونه به ناموس شان تجاوز کرده بعداً آنان را به فجیع ترین شکل ممکنه بقتل رساندند ؛ از هیچگونه ظلم و ستم وحشیانه در حق آنان دریغ نکردند . و یا فاتحان سفاک اسلام چطور از همان آغازین لشکرکشی ها ایشان که برای در بند کشیدن اقوام سر زمین های دیگر و غارت دارائی های مادی و معنوی آنان انجام می دادند ، الله و اکبر گفته مردم را از دم تیغ می کشیدند و صدمات و خسارات جبران ناپذیری به تمدن و دستاورد های علمی و فرهنگی شان وارد می نمودند . فاتحان دست به کشتار های جمعی می زدند ، تا پولیس های نامرئی شان در بافت دماغ منکوب شدگان ، دفتر و دیوانی دایمی داشته باشند ، تا در نبود نگهبان ، داروغه ، مخبر و خبرچین ، باشندگان سرزمین های مفتوحه (اشغال شده) دست از پا خطا نکنند و به تبعیت کورکورانه از ارشادات فاتحان و کلام خدای قهار شان در قران ، گردن نهند .

راه رهائی از همچو وضع شدیداً مزلتبار با سر نگونی قهری رژیم دست نشانده میسر است و در گام نخست بیرون راندن امپریالیزم و شرکا از سرزمین ما شرط اساسی آن بوده تاریخ در

همین بزنگاهش از روشنفکران مبارز و متعهد؛ دموکراتهای انقلابی و کمونیست های سر سپرده می طلبد، تا مردم را در روشنائی اندیشه یک قیام ملی، و چگونگی برپائی آن قرار دهند.

(۱) زمانی که امین بقدرت چنگ زد بخش از اکسایمی ها زیر عنوان های مختلف به پاکستان سرازیر شدند. اضافه بر آنانی که قبلاً روی انجام وظایف جاسوسی به آن کشور گسیل شده بودند (- رجوع شود به مقاله اینجانب "مدافعان قلم بدست طالب در تقابل با مدارک" که با نام مستعار آذرویه در سایت های پیام آزادی، بابا و مجله "پیام زن" و... بدست نشر سپرده شده)

پ. رتبیل (کبیر توخی)

به : آنانی که
ریشه و بنیاد
خرافات را به
آتش می کشند.

خرافه و سپیده

صدا سر داد " غول پاگلین " : (۱)

« هیولای خرافه !

من با تو ، تو با منی

تمام حجم سیالت را

— که در زناش بُود هزار و چهار صد سال —

برکن !

از مدار عصر عروج دجال

بریزش در گوش شب :

طلوع را بعد از این

سرنگون باید نمود.

شفق را غرقه درخون ،

سپیده را نیز ،

بردار باید کشید

تا ، میادا ؛

این نماد های پیدایش و شورش و تنویر

بشکنند دور تسلسل غارت و تسخیر

و تخذ یرشدگان هم ،

باورشان را برگیرند از کردگار «



؛ اما این بار

— نه چون پار... —

هراسی در دل شب دید

شب ، شکسته شد ،

وبا هیولای کنده شده از مدار
کرد آخرین دیدار.



نیزه ی سرخ شفق (۲)
سینه ای شب خواهد درید
سپیده ه ؛ بر خواهد خاست
از آنسوی ستیغ " سیاه کوه " (۳)
تلا لوی طلوع ، نیز
بر " انگشتر فردا " خواهد نشست .



؛ اما ، هیولای خرافه
با یک چشمی که دارد بر جبین
چسپید ست بر تار و پود زمین
تا بر نه خیزند ،
تخدیر شدگان ز جا .



« خواهر، خواهر ! دیدی که :
"هیولا..." و "غول..." ، همدستانند ؛
این هر دو ،
چه سخت ، سخت جانند ! »
« برادر ! ببین ، ببین که :
یکی را برکشیده گرد باد ، در چنبرش ، (۴)
دیگرش هراسیده از مسیر توفان » . (۵)



" خرافه و سپیده " : این پارچه در مارچ ۲۰۰۵ سروده شده، در شماره ... - مورخ ... ۲۰۰۵ " ایران
پست " چاپ تورنتو و در شماره ۸۳ فروردین ماه ۱۳۸۴ " پیام فدایی " (ارگان چریکهای فدایی خلق
ایران) چاپ شده است.

- ۱- " غول پاگلین " اشاره لنین به امپریالیزم می باشد.
 - ۲- در کشور ما شفق بر خلاف معنی آن در فرهنگ های زبان فارسی ، که بعد از غروب را گویند، به معنی قبل از طلوع به کار رفته است.
 - ۳- " سیاه کوه " در افغانستان موقعیت دارد.
 - ۴- خیزشها و تکانهای انقلابی علیه ارتجاع و امپریالیزم در ونزیویلا ، نیپال و ... (با یک جهان تاسف که با نفوذ عوامل امپریالیزم امریکا در رهبری و صفوف حزب کمونیست (م ل م) نیپال ، انقلاب دموکراتیک نوین این کشور شقه شقه شده نثار قدوم بورژوازی وابسته به امپریالیزم گردید) .
-